استشهادات قرآنی و حدیثی در کتاب «العین»

بهرام امانی چاکلی[1] ـ سیده لیلا تقوی سنگدهی[2] ـ افسانه کاظمی نوری[3]

دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۲ ـ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۰

چکیده

نخستین مباحث زبان‌شناسی زبان عربی با انگیزۀ شناخت واژگان قرآن کریم آغاز گردیده و عامل اصلی در پیدایش لغت‌نامه‌های عربی، ضرورت فهم قرآن کریم و حدیث با انگیزه خدمت به اسلام بوده است. بررسی آماری و تحلیلی این پژوهش نشان می‌دهد، خلیل بن احمد از مجموع ۵۷۳۲ مواد لغوی موجود در کتاب خود، به بیش از ۶۷۹ آیه در یکصد سوره استشهاد نموده است. فراهیدی در این کتاب علاوه بر قرآن کریم به بیش از ۴۷۰ حدیث به ویژه احادیث نبوی، استناد نموده است. این احادیث با مضامین گوناگونی چون؛ احکام فردی، فقه و حدود الهی، سنّتِ پیامبر 9 ، توصیه‌های اخلاقی، تفسیر آیات قرآن کریم و وقایع تاریخی آمده است. تفسیر واژه‌های قرآنی، توجه به قرائت‌های گوناگون قرآن و اختلاف لهجه‌ها و روایت احادیث گوناگون، نشان می‌دهد که خلیل بن احمد، دانشمندی آشنا به علوم قرآنی و به حدیث بوده و توانسته است پیوندی محکم میان قرآن کریم، احادیث و علم زبان‌شناسی عربی برقرار نماید.

کلیدواژه‌ها: استشهادات قرآنی، استشهادات حدیثی، زبان‌شناسی عربی، کتاب العین، خلیل بن احمد

۱. استادیار دانشگاه زنجان، گروه الهیات amanichacoli@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه زنجان، گروه الهیات.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه زنجان، گروه الهیات (نویسنده مسئول).

پیشینۀ تحقیق

توجه به استشهادات منابع نخستین اسلامی از مباحثی است که کمتر مورد عنایت پژوهشگران حوزه علوم انسانی واقع شده است. البته در این زمینه پژوهش‌هایی نیز به شرح ذیل صورت پذیرفته است:

ـ پایان‌نامه «استشهادات شعری در منابع نخستین اسلامی از آغاز دوره اسلامی تا پایان عصر دوم عبّاسی(۲۳۲- ۳۳۴ هـ.ق)»، نویسنده: خانم جمیله عباسی، استاد راهنما: دکتر بهرام امانی، دانشگاه زنجان، گروه الهیات.

ـ پایان‌نامه «بررسی استشهادات قرآنی سیبویه»، نویسنده: آقای نورمحمد خسروی، استاد راهنما: دکتر مهدی خرمی ، دانشکده الهیات و معارف اسلامی ـ دانشگاه تربیت معلم ـ سبزوار.

ـ پایان‌نامه «بررسی استشهاد به آیات در احتجاجات معصومین :»، نویسنده: خانم سمیه اهوارکی، استاد راهنما : دکتر نصرت نیل ساز، دانشکده علوم انسانی ـ دانشگاه تربیت مدرّس.

ـ مقالۀ «نگاهی ادبی به استشهادات غیر مستقیم ائمه به قرآن»، نصرت نیل ساز و سمیه اهوارکی، مجله علمی ـ پژوهشی ***پژوهش های ادبی ـ قرآنی***، دانشگاه اراک، سال اول، شماره دوم.

در جستجوی انجام گرفته، معلوم شد که درخصوص استشهادات قرآنی و حدیثی در معجم ***العین***، پژوهش مشابهی تاکنون صورت نگرفته است.

مقدمه

از آغاز قرن دوم هجری قمری، با رفع ممنوعیت کتابت حدیث و تفسیر قرآن از سوی

خلیفه اموی ، عمربن عبدالعزیز، فضای جامعهٔ اسلامی برای مباحث علمی مناسب‌تر شد و دانشمندان و علما به تدوین علوم گوناگون، ازجمله علم فقه اللغة عربی (زبان‌شناسی عربی) پرداختند. هرچند از آثارلغوی این دوره چیز زیادی دردست نیست، اما تدوین لغت‌نامهٔ ***العین*** که اولین و مهم‌ترین اثردرعلم لغت بوده، این دوره را به دورانی درخشان در دانش زبان‌شناسی تبدیل نموده است.

خلیل بن احمد (۱۰۰- ۱۷۵ق) برای اولین باردرتاریخ زبان شناسی عربی دست به ابتکاری بدیع زدکه نام اورا درفرهنگ نویسی ماندگارکرد وسرمشق بخش عمده‌ای از تألیفاتی شدکه بعدها درزمینه واژه‌ها، مشتقات ومعانی آنها سامان یافته است. خلیل در علوم زبانی مانند نحوولغت وشعرونیزدرعلوم ریاضی وشرعی وموسیقی تبحّرزیادی داشت.[۱] اوازبزرگان علم واز کسانی است که عمرخود را درراه علم گذراند وبا دست یافتن برقواعد مهم زبان عرب با تربیت شاگردان بزرگی همچون؛ سیبویه، نضربن شمیل، هارون بن موسی نحوی، وهب بن جریرواصمعی، نام خود را درردیف بزرگان علم لغت قرارداد.[۲]

خلیل همچنین نسبت به احادیث پیامبر 9 آشنایی کاملی داشت. یکی از شاگردانش به نام نضربن شمیل دراین باره می‌گوید: «من بعد ازعبدالله بن عون مزنی[۳] شخصی را اعلم به سنت ازخلیل نیافتم».[۴]

کتاب ***العین*** مجموعه‌ای گرانبها ازلغات مورد استفاده درقرن دوم هجری ودارای دو ویژگی مهم است. ویژگی اول آن است که نخستین کتاب جامع درلغت به شمارمی‌رود و مؤلف، معانی کلمات را ازکتاب دیگری نگرفته، بلکه با مراجعه به مردم عصرخویش، به معانی الفاظ پی برده واین موجب ارزش واعتبارفراوان کتاب گشته است. گفته شده است روزی کسائی(م ۱۸۹ق) ازخلیل پرسید: تواین دانش را ازکجاکسب کردی؟ خلیل

۱. یعقوب، امیل، ***پیدایش و تکامل واژه نامه‌های عربی ـ عربی***، ص۳۲.

۲. ابن ندیم،محمدبن اسحاق، ***الفهرست***، ص۷۴و۷۵.

۳. عبدالله بن عون مزنی بصری، محدّث و فقیه قرن اول و دوم هجری قمری.

٤. میرجلیلی،علی محمد، ***تأثیرقرآن درپیدایش و پیشرفت علوم ادبی***، ص۱۳۱.

پاسخ داد: ازبادیه‌ها وصحراهای حجاز، نجد وتهامه.[1]

دومین ویژگی، ابتکاری است که برای اولین بارخلیل بن احمد به واسطهٔ دانشی که درقرائت قرآن وآواشناسی ومخارج حروف داشت به کارگرفت ودرترتیب کتاب ، واژه‌ها را برحسب مخارج اصوات ، ازحلق به بالا به صورت زیرتنظیم نمود:

(ع ح هـ خ غ / ق ک / ج ش ض / ص س ز/ ط د ت / ظ ذ ث / رل ن / ف ب م / و ا ی)

توجه به این مطلب که خلیل واضع علم عروض نیزمی باشد واین علم هم وابسته به آهنگ کلام است؛ تأیید خواهد کرد که مخارج حروف نزد خلیل ازاهمیت ویژه‌ای برخورداربوده است وهمین اهمیت مخارج حروف درنزد اوبود که موجب شد لغت‌نامه خود را براساس حروف حلقی تنظیم نماید.

خلیل کلمات را به ثلاثی مضاعف، رباعی مضاعف، صحیح، معتل ورباعی تقسیم کرده. ودرهرقسمی روش «جابه‌جایی» را به کاربرده است. درکلمات ثنائی(ثلاثی مضاعف)دوجابه‌جایی بیشترامکان ندارد، اما درثلاثی شش جابه‌جایی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب دررباعی ۲۴ جابه‌جایی ودرخماسی شمارجابه‌جایی به ۱۲۰ می‌رسد.[2] این کتاب با حرف عین شروع می شود وباب العین بزرگ‌ترین وطولانی‌ترین ابواب کتاب است، به همین سبب مؤلف نام کتاب را ***العین*** نهاده است .

استنادات و استشهادات این کتاب گوناگون می باشد. تجربه‌های سفرش به بادیه، اشعار جاهلی، مخضرم(جاهلی ـ صدر اسلام)، اشعار اسلامی، قرآن کریم، احادیث، امثال و حکم از جملهٔ استنادات و استشهادات این کتاب می باشد. بیشترین

---

۱. عبدالتواب، رمضان، ***مباحثی درفقه اللغه و زبان شناسی عربی***، ص۲۶۴؛ عبد الباقی، الضاحط، ***لغة تمیم دراسة تاریخیة وصفیة***، ص ۶۱.

۲. عبدالتواب، رمضان، ***مباحثی درفقه اللغه و زبان شناسی عربی***، ص۳۰۳.

استشـهادات ایـن کتـاب پس از شـعر، استشـهاد بـه قـرآن کـریم و احادیـث اسـت. میـزان و چگـونگی اسـتفاده از ایـن استشـهادات در کتـاب ***العـین*** بـر مـا روشـن نبـوده و ایـن مقالـه درصدد است تا به روش آماری ـ تحلیلی نشان دهد که:

۱ـ میـزان و چگـونگی بـه‌کـار گیـری استشـهادات قرآنـی در کتـاب ***العین*** بـه چـه صـورت است؟

۲ـ خلیل بن احمد تا چه اندازه و چگونه از استشهاد به حدیث در این کتـاب اسـتفاده کرده است؟

۳-خلیل بن احمد در پیوند علم زبان شناسی عربی و علوم قرآن و حدیث چه نقشی را ایفا کرده است؟

معنای لغوی و اصطلاحی استشهاد

کلمۀ «استشـهاد» مصـدری مزیـد از فعـل « شَـهِدَ ، یَشـهَدُ ، شُـهُودا » بـوده، در لغـت بـه معانی مثال و شاهد خواستن برای اثبات مقصودی، به گـواهی و شـاهد گـرفتن، احتجـاج کـردن ، تمثـل جسـتن و... آمـده اسـت.[1] و در اصـطلاح آن اسـت کـه نویسـنده متناسـب بـا منظور خود ، مواردی از آیه، حدیث، شعر، سخن بزرگان، ضرب المثل و ... را شاهد آورد .

استشهادات قرآنی در کتاب العین

زمانی که زبان‌شناسان پیشین زبان عربی، بـا وجود داشـتن معیارهـای پیچیـده دسـت بـه تـدوین وجمـع آوری زبـان عربـی زدنـد، آن را بـه چهـار بخـش (زبـان قـرآن کـریم ، زبـان حدیث، زبان شعرو زبان نثر) تقسـیم کردنـد.[2] ایـن دانشـمندان بـا هـدف خـدمت بـه قـرآن کریم درپی شناخت ساختار و معانی الفاظ ، به جمـع آوری شـواهد زبـانی و وضـع قواعـدی برای زبان عربی پرداختند و منابع ادبی را با استشـهاد بـه آیـات قرآنـی، کـلام فصـیح عـرب و

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. ابن منظور، ***لسان العرب***، ذیل واژه شهد؛ دهخدا، علی اکبر، ***لغت‌نامه***، ج۶ ص۲۱۵۹.

۲. عبدالتواب، رمضان، ***مباحثی درفقه اللغه و زبان شناسی عربی***، ص ۱۱۲.

نیز احادیث نبوی مزیّن ساختند.

اهمیت و جایگاه منحصر به فرد قرآن در نزد آن ها سبب شده است تا استشهاد به قرآن همواره مهم‌ترین و رایج ترین روش در احتجاجات و مناظرات مسلمانان باشد. زبان‌شناسان زبان عربی می‌گفتند که همه روایت‌های قرآن حتی شاذّ آن هرچند بر آنها قیاس نمی‌شود ، جزء زبان فصیح شمرده می‌شود. بغدادی می‌نویسد: «کلام خداوند فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین سخن است و استشهاد به کلمات متواتر و شاذّ آن جایز است.».[1] و فراء می‌گوید: « قرآن در حجیّت قوّی‌تر و عربی‌تر از شعر است».[2]

معجم نویسان در شرح واژگان به آیات قرآنی اهتمام خاصی داشتند. انگیزهٔ اصلی آنان در تدوین معاجم، حفظ زبان قرآن و زبان پیامبر 9 بود. آنان در تألیف‌های خود هم به توضیح آیات قرآنی پرداختند و هم در مقام اختلاف با هم یا هنگام شک در مباحث لغوی ، قرآن را فصل الخطاب قرار داده، همگی در مقابل آن تسلیم بودند. آنان ضمن روشن سازی مفهوم آیه یا حلّ مباحث علمی لغوی، آن را با اخلاص تمام پیگیری کرده، آن را ذخیره معاد خود می‌دانستند. اسماعیل بن حماد جوهری (م ۳۹۳ق) در مقدمهٔ کتاب ***الصحاح*** می‌گوید: «من در این کتاب، کلمات صحیح از زبان عربی را آورده‌ام؛ زبانی که خداوند آن را شرافت داده و شناخت دین و دنیا را منوط به یادگیری آن قرار داده است».[3]

ابن منظور (م۷۱۱ق) درمقدمهٔ ***لسان العرب*** گفته است : «از خداوند می‌خواهم که تألیف این کتاب را وسیله برتری مقام و فزونی درجه‌ام در قیامت قرار دهد و اخلاص کامل را در تدوین آن به من ارزانی دارد».[4]

سید محمد مرتضی زبیدی (م ۱۲۰۵ ق) در مقدمه ***تاج العروس*** انگیزه خود را چنین

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. السیوطی، ***الاقتراح فی علم النحو***، ص۱۵۰.

۲. الفراء، ***معانی القرآن***، ج۱، ص۱۴.

۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، ***الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة***، ص۳۳.

٤. ابن منظور، محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، ص ۹.

بیان می‌کند: «من هدفی جز حفظ لغت شریف عربی ندارم؛ زیرا این زبان، مدارِ احکام قرآن و روایات نبوی است». [1]

بی تردید تدوین ***العین*** در نیمه دوم قرن دوم هجری با انگیزۀ قرآنی صورت پذیرفته و گامی بلند در راستای توسعۀ علم معجم‌نگاری به شمار می‌آمد؛ چرا که نگارش این معجم، اساس شکل گیری معاجم در دوره‌های بعد بود که علاوه بر حفظ و صیانت از زبان عربی، دسترسی محققان عرب و غیرعرب را به منابع اصیل علوم اسلامی یعنی قرآن و حدیث تسهیل می‌نمود.

خلیل بن احمد از مجموع ۵۷۳۲ مواد لغوی موجود ، به بیش از ۶۷۹ آیه استشهاد نموده است. این آیات از یکصد سوره مختلف از سوره‌های مبارک مصحف شریف الهی انتخاب شده‌اند و چهارده سوره ای که آیاتشان در میان استشهاداتِ ***العین*** به چشم نمی‌خورند عبارت‌اند از سوره‌های جاثیة، ممتحنة، منافقون، تغابن، تحریم، أعلی، شمس، لیل، انشراح، تین، تکاثر، عصر، کافرون و نصر. جدول شماره(۱) و نمودارهای «الف» و «ب» بیانگر میزان نقش قرآن در تدوین کتاب ***العین*** می‌باشد؛ امری که بعدها الگویی برای سایر زبان‌شناسان عربی در تدوین معجم نگاری شد. استشهادات قرآنی در این کتاب غالبا بدون ذکر نام سوره یا شماره آیات بوده و عمدتا به شکل‌های «قال الله»، «قال تعالی»، «قال عزّ و جلّ» بیان شده‌اند که به منظور روشن شدن چگونگی بیان این استشهادات به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

خلیل بن احمد در شرح واژۀ «الطعم» می‌نویسد:

« ... فسمّی الصید طَعَاماً، لانّه یسدّ الجوع» [2]؛ صید، طعام نامیده شده از آن رو که گرسنگی را برطرف می‌کند. برای این معنا، چنین استشهاد می‌کند: «قال تعالی: **(أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعامُهُ مَتاعاً لَكُمْ)**(مائده / ۹۶)؛ برای بهره‌مند شدن شما و کاروانیان

۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ***تاج العروس من جواهر القاموس***، ج۱، ص۵۲.

۲. الفراهیدی، خلیل بن احمد، ***العین***، ج۲، ص۲۵.

شکار کردن از دریا و خوراکی آن بر شما حلال شد.

او در شرح واژهٔ قوم می‌گوید: «القَوْمُ: الرجال دون النساء».[1] او « قوم » را شامل مردان دانسته و نه زنان ؛ و در این معنا به آیه ۱۱ سوره حجرات ، این گونه استناد نموده است: «قال الله [جل وعز]: **(لا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسى أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ وَ لا نِساءٌ مِنْ نِساءٍ عَسى أَنْ يَكُنَّ خَيْراً مِنْهُنَّ)**. (حجرات / ۱۱)؛ ای ایمان آورندگان! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند و نباید زنانی زنان دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند.

فراهیدی در توضیح واژه «الأسف» می گوید: «الأسف: الحزن في حال. و الغضب في حال».[2] و آن را حالت ناراحتی و حالت خشم معنا کرده و برای آن آیه **(فَلَمَّا آسَفُونا انْتَقَمْنا مِنْهُمْ)**(زخرف/ ۵۵) را شاهد آورده است. (وچون ما را به خشم آوردند از آنان انتقام گرفتیم.).

خلیل به قرائت‌های گوناگون از قرآن در دوره‌های پیشین توجه داشته و آن‌ها را در ذیل توضیح واژگان ذکر می‌کند. او از قاریان بزرگی چون ابن مسعود و حسن بصری یاد می‌کند و به عنوان مثال در شرح آیهٔ شریفهٔ **(...وعَبَدَ الطّاغوتَ)** (مائده/۶۰) قرائت‌های متعددی از آن را به شرح ذیل ذکر می‌کند:

«فالعامة تقرأ: وَ عَبَدَ الطّاغُوتَ، أي: عَبَدَ الطاغوت من دون الله»؛ عامه می‌خوانند: طاغوت را پرستید، یعنی طاغوت را به غیر از خدا پرستیدند.

«و عُبِدَ الطاغوتُ، كما تقول: ضُرِبَ عَبْدُ الله»؛ طاغوت پرستیده شد... .

«و عَبُدَ الطاغوتُ، أي: صار الطاغوت يُعْبَد، كما تقول: فَقُهَ الرجلُ، و ظَرُفَ»؛ طاغوت مورد پرستش قرار گرفت... .

---

۱. همان، ج۵، ص۲۳۱.

۲. الفراهیدی، خلیل بن احمد، ***العین***، ج۷، ص۳۱۱.

«و عُبَّدُ الطاغوتِ، معناه عُبَّادُ الطاغوت. جمع، كما تقول: رُكَّع و سُجَّد»؛ پرستندگان طاغوت... .

«و عَبَدَ الطاغوتِ، أرادوا: عَبَدَة الطاغوت مثل فجرة و كفرة، فطرح الهاء و المعنى فى الهاء»، پرستندگان طاغوت... .

«و عابِد الطاغوت، كما تقول: ضارب الرجل»؛ پرستندهٔ طاغوت... .

«ويا در مورد آيهٔ **(فأما اليتيم فلا تقهر)** (ضحى/۹) قرائت ابن مسعود از واژهٔ «تقهر» را «تكهر» ذكر مى‌كند و مى‌گويد: «كهر: كَهَرْتُ الرّجلَ أكهَرُهُ كَهْراً، إذا إستَقْبلته بوجهٍ عابسٍ تَهاوُناً به»[۱]؛ (آن مرد را براى تحقير، به چهره‌اى عبوس استقبال كردم). وبه تفسيرقراءة ابن مسعود: **(فأمّا اليتيمَ فلا تكْهَرْ)**؛ (اما [به شكرانهٔ اين همه نعمت] يتيم را خوار و تحقير مكن).

فراهيدى گاهى خود به تفسير آيه‌اى از قرآن مى پردازد و آن را توضيح مى‌دهد؛ به عنوان مثال، وى ذيل ماده «نجم» آنجا كه در معناى «النجوم» به آيه **(فَلاأُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ)** (واقعه/ ۷۵) استناد مى نمايد، (پس سوگند مى خورم به منزلگاه‌هاى ستارگان) چنين مى‌گويد:

«يعنى نُجُومَ القرآن، أنزل جملة إلى السماء الدنيا، ثم أنزل إلى النبي 9 نُجُوما في عشرين سنة آيات متفرقة »[۲]؛ (مقصود ستارگان قرآن است، كه خداوند همه را به آسمان دنيا فرستاد، سپس ستارگان را به مدت بيست سال به شكل آياتى پراكنده فرستاد.

موارد يادشده نشان مى‌دهد كه خليل در استشهادات قرآنى هم به لهجه ها و قرائت‌هاى گوناگون قرآن كريم توجه داشته و هم خود وارد مسئلهٔ تفسير شده است. به‌كارگيرى استشهادات فراوانى از آيات قرآن، توجه به لهجه‌هاى قرآن و توضيح و تفسير واژگان قرآنى بيانگراين نكته است كه نخستين معجم زبان عربى با هدف توضيح و تشريح غرايب قرآنى تدوين يافته و عامل اصلى پيدايش معجم‌نگارى زبان عربى بوده است.

---

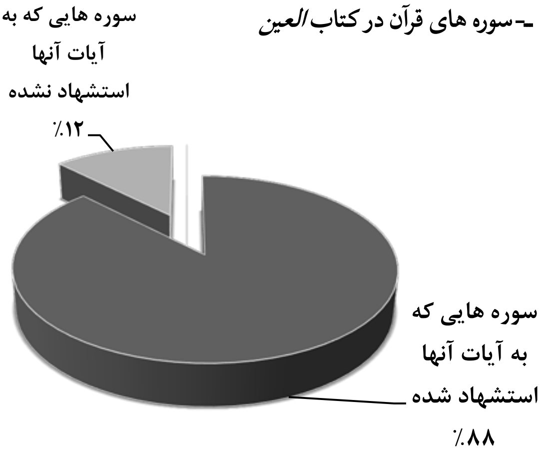
۱. همان، ج۳، ص۳۷۶.

۲. الفراهيدى، خليل بن احمد، ***العين***، ج۶، ص ۱۵۴.

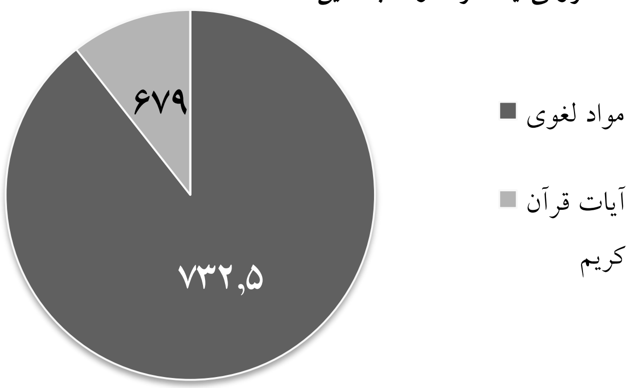
جدول(۱)- پراکندگی استشهادات قرآنی کتاب *العین* به تفکیک سوره های قرآن کریم

نام سوره	تعداد شواهد آیات	نام سوره	تعداد شواهد آیات	نام سوره	تعداد شواهد آیات	نام سوره	تعداد شواهد آیات	نام سوره	تعداد شواهد آیات	نام سوره	تعداد شواهد آیات
حمد	۱	انبیاء	۱۱	فصلت	۵	صف	۱	تکویر	۳	القارعة	۱
بقره	۴۳	حج	۱۶	شوری	۲	جمعه	۱	انفطار	۲	تکاثر	۰
آل عمران	۱۶	مومنون	۸	زخرف	۱۰	منافقون	۰	مطففین	۲	عصر	۰
نساء	۱۷	نور	۹	دخان	۲	تغابن	۰	انشقاق	۳	همزة	۱
مائده	۱۵	فرقان	۸	جاثیه	۰	طلاق	۱	بروج	۱	الفیل	۱
انعام	۱۶	شعراء	۱۵	احقاف	۱	تحریم	۰	طارق	۶	قریش	۱
اعراف	۲۶	نمل	۷	محمد	۲	ملک	۱	أعلی	۰	ماعون	۱
انفال	۱۳	قصص	۱۱	فتح	۱	قلم	۷	غاشیة	۲	کوثر	۲
توبه	۱۸	عنکبوت	۱	حجرات	۳	الحاقة	۵	فجر	۲	کافرون	۰
یونس	۱۳	روم	۲	ق	۶	معارج	۹	بلد	۶	نصر	۰
هود	۷	لقمان	۴	الذاریات	۴	نوح	۶	شمس	۰	مسد	۱
یوسف	۲۳	سجده	۳	طور	۷	جن	۵	لیل	۰	اخلاص	۲
رعد	۷	احزاب	۵	نجم	۸	مزمل	۵	ضحی	۳	فلق	۱
ابراهیم	۴	سبا	۸	قمر	۶	مدثر	۸	انشراح	۰	ناس	۱
حجر	۷	فاطر	۳	رحمن	۱۴	قیامة	۶	تین	۰		
نحل	۸	یس	۸	واقعه	۱۰	انسان	۳	علق	۴		
اسراء	۲۱	صافات	۱۷	حدید	۲	مرسلات	۳	قدر	۱		
کهف	۱۸	ص	۱۴	مجادله	۱	نبا	۵	بینة	۱		
مریم	۱۲	زمر	۶	حشر	۱	نازعات	۳	زلزال	۱		
طه	۲۶	غافر	۴	ممتحنه	۰	عبس	۳	عادیات	۱		

نمودار الف ـ-سوره های قرآن در کتاب *العین*



نمودار ب ـ-فراوانی آیات قرآن درکتاب *العین*



استشهادات حدیثی در کتاب العین

حدیث در اصطلاح کلامی است که حاکی از قول یا فعل یا تقریر پیامبر اکرم 9 باشد، ولی بعدها اهل سنت قول و عمل صحابه را در احکام ، به عنوان بخشی از حدیث، منبع قرار دادند؛ چنان که امامیه قول و فعل اهل بیت : را در شمار حدیث می‌دانند.[1] حدیث پس از قرآن مهم‌ترین راهنمای مسلمانان در اصول عقاید و ملاک عقیده و عمل آنان به اسلام به شمار می رود.

۱. مدیرشانه چی، کاظم، ***تاریخ حدیث***، ص۹.

سیر تاریخی کتابت حدیث ، تدوین ، جواز یا عدم جواز آن ، بحثی کهن و ریشه‌دار به درازای تاریخ اسلام است. شکی نیست که حدیث در زمان پیامبر 9 نوشته می‌شده است. همچنین تردیدی نیست که بعد از رحلت آن حضرت از نوشتن حدیث جلوگیری شده است و این منع از تدوین تا سال ۱۰۰ق ادامه داشته است . در زمان عمربن عبدالعزیز خلیفه اموی یعنی در قرن دوم هجری کار تدوین حدیث آغاز گشت.

استشهاد به حدیث در استنادات منابع نخستین اسلامی به ویژه در زبان‌شناسی عربی دارای مخالفان و موافقانی بود. مخالفان استشهاد به حدیث، معتقد بودند که راویان، احادیث را نقل به معنا کرده‌اند. لذا نمی‌توان با اطمینان گفت که این الفاظ همان الفاظ پیامبر خدا 9 است. آنان همچنین گفته‌اند که راویان در نقل احادیث متکی به حفظ بوده و احادیث را از طریق کتابت ضبط نمی‌کرده‌اند و حفظ الفاظ طولانی بسیار بعید بوده است. از جمله نحویان مخالف؛ ابوالحسن علی بن محمد اشبیلی، معروف به ابن ضائع (م۶۸۰ ق) و اثیرالدین محمدبن یوسف، معروف به ابوحیان (م۷۴۵ق) هستند و آورده‌اند که جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) نیز از آنها پیروی کرده است. در مقابل، موافقان، لهجه پیامبر 9 را افصح دانسته و به آن استناد نموده‌اند، و نیز معتقدند که احادیث به جهت سند از اشعار منقول عرب صحیح ترند. علاوه بر آن، ابن خلدون معتقد است که تدوین احادیث در صدر اول و قبل از فساد زبان عربی رخ داده و احتجاج به کلمات مدوّن ولو قبل از تدوین تبدیل شده باشد، جایز است. از جمله موافقانِ احتجاج به حدیث می توان محمدبن عبدالله معروف به ابن مالک(م۶۷۲ق)، عبدالله بن یوسف، معروف به ابن هشام(م ۷۶۱ق) را نام برد. همچنین نحویانی چون جوهری، ابن سیده، ابن فارس، ابن خروف، ابن جنی،ابن هری و سهیلی را از طرفداران استناد به حدیث قلمداد کرده‌اند.[۱]

---

۱. خضر حسین، محمد، «الاستشهاد بالحدیث فی اللغة»، مجله ***مجمع اللغة العربیة الملکی***، مجلد

با مطالعۀ کتاب‌های نخستین نحوی، مثل *الکتاب* سیبویه و معاجم نخستین عربی، مانند *العین* خلیل بن احمد می‌توان دریافت که استفاده از احادیث در مسئلۀ استشهاد کم و بیش وجود داشت. در آثار سیبویه ،فراء نحوی و نیز در آثار خلیل بن احمد و سایر معجم نگاران تابع او، استشهاد به حدیث وجود دارد. فراهیدی در کتاب *العین* خود به بیش از ۴۷۰ حدیث استناد نموده است. مؤلف در هر باب، ریشه لغتی را که در حدیث به‌کار رفته ذکر کرده و سپس حدیث یا سخن صحابی یا تابعی را بیان نموده و به شرح لغت مورد نظر می پردازد. این احادیث مجموعه‌ای از معارف اسلامی با مضامین مختلف، مانند احکام فردی، فقه و حدود الهی، سنتِ پیامبر 9 ، توصیه‌های اخلاقی، تفسیر آیات قرآن کریم ، اشاره به پاره ای از وقایع تاریخی صدرِ اسلام را شامل می‌شوند . به‌رغم اینکه سلسله راویانِ حدیث در بیش از نیمی از این روایات حذف گردیده، امّا جایگاه احادیث نبوی در میان سایر احادیث ممتاز و مشهود است .

بدین‌سان پس از استشهادات قرآنی، استشهاد به حدیث کاربرد بیشتری دارد. فراوانی میزان استشهاد به حدیث در نمودارهای «ج» و «هـ» به روشنی بیان شده است . نمودار «د» بیانگر آن است که بسیاری از احادیث بدون ذکر سند در این کتاب وارد شده است. ابن منظور که بعدها به تدوین معجم *لسان العرب* دست زد مرجع بسیاری از این احادیث را مشخص کرده که غالبا به خلفای راشدین بر می‌گردد. در واقع می‌توان گفت احادیث در کتاب *العین* به دوصورت وارد شده است: ۱ـ با ذکر مرجع که غالبا مربوط به پیامبر 9 و خلفای راشدین است و ۲ـ بدون ذکر مرجع که بیشترین احادیث را شامل می‌شود و غالبا به شکل « ومن الحدیث...» و « وفي الحدیث...» آمده است. برای بیان چگونگی یاد کرد حدیث در این کتاب به ذکر نمونه‌های ذیل بسنده می‌کنیم:

خلیل در شرح واژه «العج» می گوید: «العَجُ: رفع الصوت» و عن النبی 9 «أفضل الحج العَجُ و الثج»[1]؛ بهترین حج بالا نمودن صدا به لبیك گفتن و ریختن خون حیوان

سوم، شماره ۳، ص۱۹۹.

۱. الفراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، ج۱، ص۶۷.

هدیه است.

او در شرح واژه «الدّهر» می‌نویسد: «و في الحديث «لا تسبّوا الدَّهْرَ فإنّ الله هو الدَّهْرُ»؛ روزگار را مورد ناسزا قرار ندهید، زیرا روزگار همان پروردگار متعال است. این حدیثی است که خلیل در معنای لغت «الدَّهْرُ» به آن استشهاد می‌نماید و در شرح حدیث چنین می گوید: «يعني: ما أصابك من الدهر فالله فاعله، ليس الدَّهْر، فإذا سببت الدَّهْرَ أردت به الله عزّ و جلّ».[1]

ودر بیان معنای «اللّمظ» می‌گوید: «اللَّمْظُ: ما تَلَمَّظُ به بلسانك على أثر الأكل، (زبان گِرد دهان برآوردن بعد از طعام) و آنچه از باقیماندهٔ غذا را که روی زبان می‌ماند، «لُمَاظَةٌ» می‌نامد و در این مورد به این حدیث استناد می‌کند و می‌گوید: «ومن الحديث النِّفَاقُ فِي الْقَلْبِ لُمْظَةٌ سَوْدَاءُ»؛ يعنى النقطة».[2] نفاق و دورویی در قلب به‌سان نقطهٔ سیاهی می‌باشد.

در این کتاب ظاهراً از امامان شیعی به جز امام حسن بن علی 7 نامی برده نشده و تنها یک بار نام امام حسن 7 به شکل ذیل در شرح واژه‌های «جَابَلَق و جَابَلَص» وارد شده است:

«وأمر معاوية الحسن بن على بن أبى طالب 8 ، أن يخطب الناس رجاء أن يحصر فيسقط من أعين الناس لحداثته، وصعد المنبر، وحمد الله وأثنى عليه، وصلى على النبي 9 . ثم قال: إنكم لو طلبتم ما بين جابلق وجابلص رجلاً جدّه نبيّ ما وجدتموه غيري، (**وَإِنْ أَدْرِى لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ**)[3]، وأشار بيده إلى معاوية»[4] معاویه به حسن بن علی بن ابی‌طالب 8 دستور داد که برای مردم خطبه بخواند به این امید که به خاطر جوان بودنش محصور شود و از چشم مردم بیفتد. پس امام حسن 7 بالای منبر رفت و خداوند را ستایش کرد و بر پیامبر 9 درود فرستاد، سپس گفت: اگر بین شرق و

---

۱. همان، ج۴، ص۲۳.

۲. همان، ج۸، ص۱۶۴.

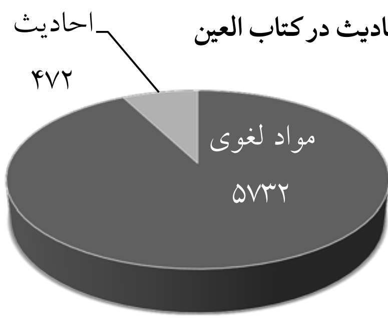
۳. انبیاء / ۱۱۱.

٤. الفراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، ج۵، ص۲۴۳.

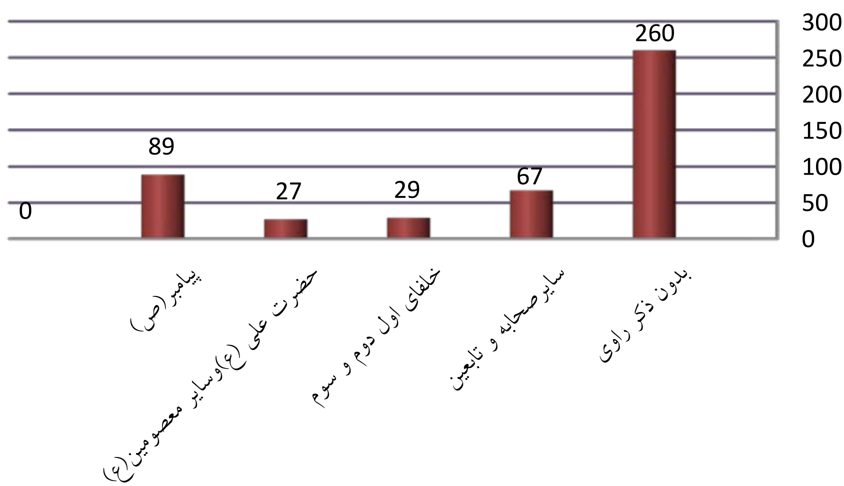
غرب مردی را بجویید که جدّش پیامبر 9 باشد، غیر از من را نمی یابید. و من نمی‌دانم شاید این آزمایشی برای شما و بهره‌مندی اندکی تا مدتی معیّن است، و با دستش به معاویه اشاره نمود.

همان گونه که ملاحظه شد، خلیل بن احمد احادیث فراوانی را برای شرح واژگان روایت می‌کند. گاهی مرجع حدیث را مشخص نموده و گاهی نیز تنها به ذکر حدیث بسنده می‌کند. او با به‌کارگیری احادیث در شرح واژگانِ کتابِ *العین* زمینه را برای توسعه احادیث در معجم نگاری پس از خود فراهم کرد و توانست علم حدیث را به فقه اللغة نزدیک نماید.

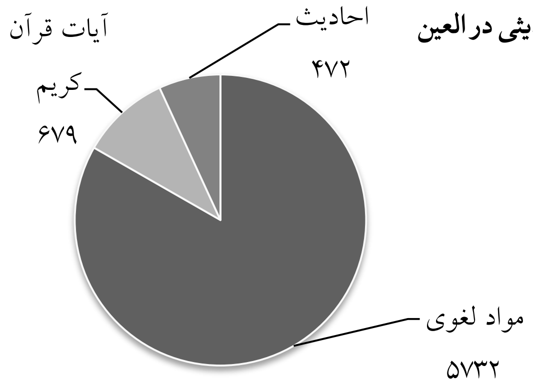
ج- فراوانی احادیث در کتاب العین



د- فراوانی احادیث کتاب العین از نظر راویان



هـ- استشهادات قرآنی و حدیثی در العین



نتیجه

از مجموعه مباحث مطرح شده در این پژوهش چنین استفاده می‌شود؛

۱. نگارش اولین معجم لغوی در سایه قرآن و حدیث صورت گرفته وخلیل بن احمد، به طور مشهود در معنای واژه‌ها تحت تأثیر کاربردهای قرآن و حدیث بوده است. این مطلب نشان دهنده آن است که شناخت لغت از آن منظر که وسیله فهم قرآن و حدیث بوده مورد عنایت دانشمندان اسلامی قرار گرفته است.

۲. استنادات متعدد و شواهد قرآنی بسیار در کتاب *العین*، توجه مؤلف به قرائت‌های مختلف قرآن کریم و بیان تفسیرگونه ذیل بعضی از شواهد آیات، براحاطه علمی و آگاهی خلیل از آرای مفسران، علم قرائت و ... دلالت دارد. و در نتیجه پیوند متقابل قرآن و علم لغت بیش از پیش آشکار می‌گردد.

۳. به‌کارگیری بیش از ۴۷۰ حدیث در متن کتاب *العین* توسط دانشمندی که به گواهی منابع تاریخی در علوم نحو و لغت مقام استادی داشته است، او را در زمره قائلان استناد به احادیث قرار می‌دهد. بدیهی است اقوال ایشان -که خود از راویان حدیث بوده‌اند- به همین علت، همواره مورد احتجاج سایر لغویان بوده است.

منابع

۱. ***قرآن کریم***،ترجمه محمد مهدی فولادوند،انتشارات اسوه.
۲. ابـن خلـدون، عبـدالرحمان بـن محمـد، ***مقدمـه ابـن خلـدون***، ترجمـه محمـد پـروین گنابادی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم ، ***لسان العرب***، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع ـ دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۴. ابن ندیم،محمدبن اسحاق، ***الفهرست***، ترجمه محمدرضاتجدد، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۱ش.
۵. الأمین، حسن، ***اعیان الشیعه***، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت،۱۴۰۳ق.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، ***الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة***؛ تحقیق: احمد عبدالغفور، عطار، ناشر:دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ چهارم، ۱۹۹۰م.
۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ***تاج العروس من جواهرالقاموس***، تصحیح و تحقیق علی، هلالی و سیری، علی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۸. ***دائرةالمعارف تشیع***، زیرنظرسیدجوادی ـ فانی ـ خرمشاهی، شهیدمحبی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۳ش.
۹. خضر حسین، محمد ، «الاستشهاد بالحدیث فی اللغة»، ترجمه حسین علینقیان، مجله ***مجمع اللغة العربیةالملکی***،مجلد سوم، شماره ۳،ص۱۹۷- ۲۱۰، قاهره.
۱۰. دل افکار،علیرضا و مجید معارف، «نقش قرآن در پایه گذاری علم لغت»، ***مجله پژوهشهای قرآن و حدیث***، سال چهل و سوم ،شماره۲، پاییز و زمستان،صفحه ۵۵- ۷۳.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ***لغت نامه***،زیر نظر دکتر محمدمعین،انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ ش.
۱۲. السیوطی، ***الاقتراح فی علم النحو***، هند،حیدر آباد الدکن، ۱۳۵۹ق.
۱۳. طباطبایی، محمد کاظم ،***آشنایی با تاریخ و منابع حدیث***، مرکز نشر هاجر ، قم، ۱۳۸۵ش.
۱۴. عبد الباقی، الضاحط ،***لغة تمیم دراسة تاریخیة وصفیة***، القاهرة، الهیئة العامة لشؤون المطابع الأمیریة، ۱۴۰۵ق.
۱۵. عبدالباقی، محمدفؤاد، ***المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم***، دارالکتب المصریة، القاهرة، ۱۳۹۷ ق.
۱۶. عبدالتواب،رمضان، ***مباحثی در فقه اللغه و زبان شناسی عربی***، ترجمه حمیدرضا شیخی، انتشارات آستان قدس رضوی،۱۳۶۷ش.
۱۷. الفراء، ***معانی القرآن***، تحقیق شیخ محمد علی النجار، القاهرة، ۱۹۷۲م.
۱۸. الفراهیدی، خلیل بن احمد، ***کتاب العین***، تحقیق دکتر مهدی المخزومی و دکتر

ابراهیم السامرئی، دارالهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۹. مدیرشانه چی، کاظم، ***تاریخ حدیث***، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش.
۲۰. میرجلیلی، علی محمد، ***تأثیر قرآن در پیدایش و پیشرفت علوم ادبی***، دفترتبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹ش.
۲۱. یعقوب، امیل، ***پیدایش و تکامل واژه نامه‌های عربی-عربی***، ترجمه احسان اسماعیلی طاهری، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، نشر علم و ادب، ۱۳۸۱ش.